

بایسته‌های خلق اثر مذهبی

با رویکرد به مخاطب کودک و نوجوان

سید علی محمد رفیعی

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اشارتی به یک نیاز

این مقاله حاوی ضروری‌ترین دانستنی‌ها درباره مذهب، متن مذهبی، باور مذهبی، داستان یا شعر مذهبی و نوشته یا نویسنده مذهبی، فیلم‌نگار مذهبی، فیلم‌ساز مذهبی و دیگر عوامل و عناصر تولید متن مکتوب، تصویر، نمایش یا فیلم مذهبی است برای آن‌ها که می‌خواهند پا در وادی خلق اثر آموزشی، ادبی یا هنری براساس مذهب به ویژه برای کودکان و نوجوانان بگذارند. آن‌هایی را نیز که به خلق آثاری در این زمینه دست زده‌اند، اما از علوم توفیق اثر خود ناخشنودند، دربرمی‌گیرد.

ضرورت نگارش چنین مقالات آموزشی - حتی در حد فشرده - این واقعیت است که استقبال از نوشته‌ها، سروده‌ها و تصویرگری‌های مذهبی، کتابهای مذهبی، نمایش‌ها و نمایشنامه‌های مذهبی و فیلم‌های مذهبی ساخته شده در ایران، جز در مواردی اندک، مطلوب نبوده و گاه بازده و تأثیری حتی در حداقل خود نداشته است. این مشکل از بی‌توجهی به نکاتی متعدد برخاسته است که نوشته حاضر، می‌کوشد. خلاصه‌وار به آن بپردازد. این نکات در پنج عامل یا عنصر: پدیدآورنده (مؤلف) اثر، محتوای اثر، قالب اثر، پیام اثر و مخاطب اثر قابل دسته‌بندی‌اند. در انتها نیز سخنی درباره روند خلاقیت خواهد آمد.

۱. پدیدآورنده (مؤلف)

۱-۱. پیش از آغاز: آیا شما مذهبی هستید؟

می‌خواهید متن مذهبی بنویسید؟ فیلم مذهبی بسازید؟ نمایش‌نامه مذهبی به روی صحنه ببرید؟ مبارک است. حتماً هم می‌دانید که کار شما «هنر» و هنر، تجلی درون هنرمند است. بنابراین، باید بپذیرید که اگر مذهبی نیستید، نباید به خلق اثر مذهبی دست بزنید یا سفارش کار هنری مذهبی بگیرید، حتی اگر مبلغی چشمگیر به شما پیشنهاد کنند. بی‌توجهی به این نکته بسیار مهم، به شکست اثر تولیدی شما و عدم تأثیر آن در مخاطب خواهد انجامید و خودتان بهتر می‌دانید که شکست یک اثر هنری تا چه اندازه می‌تواند به شخصیت پدیدآورنده آن لطمه بزند.

این موضوع اختصاص به کار مذهبی ندارد. شما بدون عشق به موسیقی کلاسیک، بدون شیفتگی نسبت به موتسارت و آثار او، بدون این که زندگی جذاب و مرگ و دفن مشکوک موتسارت دغدغه فکری شما باشد، بدون آن که در دل خود جایی برای او داشته باشید و بدون آن که بخواهید با انگیزه و حرارت لازم، این شخصیت و موضوع محبوب خود را به دیگران بشناسانید، نخواهید توانست، کاری ارزشمند درباره زندگی، آثار، علایق، روابط، نگرش و آرمان‌ها،

ویژگی‌های فردی، اثرگذاری‌ها و مرگ و پس از مرگ و جایگاه موتسارت در جهان موسیقی بیافرینید. همین

را قیاس کنید با آفرینش اثری ادبی و هنری درباره یک هنرمند، یک دانشمند، یک فیلسوف یا یک شخصیت

مذهبی. در هر موضوع دیگر که ارتباطی به شخص خاصی ندارد نیز این امر صادق است. شما باید از جان و دل با چیزی رابطه برقرار کرده باشید تا بتوانید کاری عمیق در آن باره خلق کنید. تا وجود شما رنگ و بویی از موضوع کارتان نداشته باشد، کار شما چشمگیر و جذاب نخواهد شد و رابطه لازم را با وجود مخاطب نخواهید یافت. نه تنها این حقیقت که: «هر سخن کز دل برآید، لاجرم بردل نشیند» درست است، بلکه عکس آن نیز صادق می‌تواند باشد: آن چه از دل برنیاید، بر دل نخواهد نشست.

هنرمندان، ورزشکاران، عالمان و دانشمندان گذشته سرزمین ما به این حقیقت رسیده بودند و از همین‌رو، توصیه‌هایی اخلاقی به شاگردان خود می‌کردند با این باور که رعایت آن‌ها تأثیری شگرف بردانش، فن و هنر دانشجویان، علم‌آموزان، هنرجویان و کارآموزان خواهد نهاد. برای نمونه، میرعماد - خوش‌نویس بزرگ عصر صفوی - فصل اول رساله آموزشی خود موسوم به آداب المشق را به صفات نویسنده و خوش‌نویس اختصاص می‌دهد و در آن می‌نویسد:

«بدان که کاتب باید از صفات ذمیمه احتراز نماید؛ زیرا که صفات ذمیمه در نفس، علامت بی‌اعتدالی است و حاشا که از نفس بی‌اعتدال کاری آید که در او اعتدال باشد: از کوزه همان برون تراود که در اوست. پس کاتب باید که از صفات ذمیمه به کلی منحرف گردد و کسب صفات حمیده کند تا آثار انوار این صفات مبارک از چهره شاهد خطش سرزند و مرغوب طبع ارباب هوش افتد.»

ناگفته پیداست که این چند سطر، به اندازه یک نظریه‌پردازی عمیق و دقیق و قابل بسط و گسترش ارزش دارد و بسیاری دیگر از نظریه‌ها درباره هنر و هنرمند را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد یا زیرپوشش می‌گیرد.

توجه به ارتباط تنگاتنگ میان هنر و هنرمند، علم و عالم، صنعت و صنعتگر و ایمان و مؤمن اصلی اساسی در خلاقیت، زیبایی، کارایی و اثربخشی محصول هنری، علمی، صنعتی و دینی است. در بخشی از آیه ۷ سوره حجرات (۴۹) قرآن کریم، آمده است:

«خداوند، ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دلتان بیاراست و کفر و فسق و عصیان را در نظرتان ناخوش و ناخوشایند گردانید. آن‌ها که چنین‌اند، رهیافتگان‌اند.»

در واقع نخستین ویژگی و حداقل دینداری مؤمن، دوستداری ایمان دینی و آموزه‌ها و دستوره‌های دینی و زیبا و باشکوه



و خردمندانه دیدن آنهاست به گونه‌ای که با آن احساسی خوشایند و آرامش‌بخش بیاید. چنین احساسی در هر کس که به هر چیز دیگری دلبستگی دارد نیز نسبت به آن چیز وجود دارد. این احساس منشأ دیگر کنش‌ها و واکنش‌ها در شخص است و به کنش‌ها و واکنش‌ها و آثار او رنگ و بوی باور و علاقه او را می‌زند و درونمایه افکار، افعال و احساس‌های دیگر او را می‌سازد.

برای آن کس که مذهب را به گونه‌ای فراگیر، دارای نقشی مهم در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان می‌داند، مذهبی بودن لازمه پیشرفت، خلاقیت، کشف و زیبایی‌آفرینی در همه عرصه‌ها و زمینه‌های علمی، فنی، هنری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ حتی اگر آن عرصه‌ها و زمینه‌ها را دارای عنوان یا صفت دینی یا مذهبی ندانیم؛ چنان که تقریباً همه هنرمندان، دانشمندان، عالمان و قهرمانان بزرگ به گونه‌ای مذهبی بوده‌اند. برای آن کس که معتقد به چنین گستره و پهنه‌ای برای دین و آن کس که معتقد به چنین گستره و پهنه‌ای برای دین و مذهب نیست، درهم تنیدگی و ارتباط تنگاتنگ و ماهوی و وجودی میان اثر با پدیدآورنده اثر و پدیدآورنده اثر با موضوع و محتوای اثر، امری غیرقابل انکار در میزان موفقیت اثر است و به طور نمونه، تنها کسی را شایسته تولید اثری درباره ریاضیات یا یک ریاضی‌دان خواهد دانست که خود، ریاضی را با جان و دل درک کرده و عاشق و مدافع و مبلغ این رشته از دانش باشد. اما نتیجه پذیرش هر یک از دو نظریه، در زمینه لزوم مذهبی بودن پدیدآورنده اثر مذهبی، یکی است.

مخاطب را - چه ناقدی بصیر باشد، چه مشاهده‌گری ساده - نباید دست کم گرفت و ساده پنداشت. اثر هنری یا ادبی - هرچند موضوع و محتوایی مذهبی داشته باشد - می‌تواند نشان دهد که پدیدآورنده آن نه مذهبی، بلکه متظاهر به مذهب است و هرچند موضوع و محتوایی غیرمذهبی داشته باشد، می‌تواند از درون مذهبی خالق خود حکایت کند. تأثیر هر باور، نگرش و جهان‌بینی دیگری بر آفرینش ادبی یا هنری نیز چنین است.

در هر حال، اگر به موفقیت اثر ادبی یا هنری خود می‌اندیشید، لازم است که پیش از شروع کار مذهبی یا پس از دریافت سفارش کار مذهبی، از خود بپرسید که آیا مذهبی هستید؟

نخستین پیامد پاسخ چنین پرسشی این است که «هدف» و انگیزه یا «نیت» شما از خلق اثر مذهبی، مورد سؤال قرار می‌گیرد. اگر هدف و نیت اصلی و واقعی شما جز این باشد که بخواهید مفهومی دینی را به مخاطب منتقل کنید، اثر را از کارایی، تأثیرگذاری و اثربخشی مذهبی آن دور کرده‌اید. خلق اثر مذهبی برای خوشایند هر شخص حقیقی یا حقوقی، به تعبیر و تحریف بخش‌هایی از اثر به نفع آن شخص خواهد انجامید و از خلوص و پاکی اثر و درستی و شفافیت پیام آن خواهد کاست. در نتیجه، آن چه در دید مخاطب قرار می‌گیرد، مجموعه‌ای ناهمگون از عناصری است که بخشی از آن آموزه‌های اصیل و بخشی دیگر تحریف‌ها و تغییرها یا کاستی‌ها و خلأهایی است که مایه گسست یا ناهمگونی فکری در مخاطب می‌شود.

ادبیات و هنر اگر تعهدی دارند، تنها به ارزش‌های والا است. مهم این نیست که ادبیات و هنر، به سفارش شخصی حقیقی یا حقوقی تولید شود یا نه. مهم این است که این سفارش، مانع آزادی در انتقال بی‌پیرایه و بی‌تبدیل و تحریف پیام خواهد شد یا نه؟

این نکته بسیار مهم را باید در نظر داشت که مذهب - اگر الهی باشد - یک سیستم همگون و سازوار است و تغییر هر بخش آن، می‌تواند در کل بخش‌های دیگر تأثیر بگذارد. یکی از دلایل ناکامی بسیاری از تولیدات ادبی، هنری و مذهبی این است که خواسته‌اند بخش‌هایی از اثر را مطابق با ملاحظات غیرالهی، حذف یا بازآفرینی کنند. طبیعی است اگر شما مذهبی باشید، با تحمیل‌ها و توصیه‌های غیرالهی کنار نخواهید آمد. شما این باور را خواهید داشت که حکومت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی می‌روند و می‌آیند، اما حقیقت و آثار ادبی و هنری ماندنی است. در این میان، آثاری که با حقیقت پیوند خورده‌اند، خواهند ماند و تحسین آیندگان را برخواهند انگیخت و آثاری که در پوشاندن چهره خورشید کوشیده‌اند، با استهزا و سپس تقبیح انسان‌های آینده به کنار نهاده خواهند شد.

از آن جا که ادیان و مذاهب الهی، با روح و فطرت پاک انسان‌ها پیوند خورده‌اند، در حال و آینده، مخاطبان پاک، هراتری دینی یا مذهبی را که از روح و فطرت پاک فاصله گرفته باشد، دلنشین و همگون و هماهنگ با درون پاک انسانی نخواهند یافت.

۱-۲. منابع تغذیه: شریان‌های سلامت و بیماری

بعضی غذاها و امکانات مادی و معنوی به جسم، روح، فکر، ذوق و احساس انسان‌ها لطمه می‌زنند. این‌ها از مواردی هستند که ادیان و مذاهب گوناگون، همه یا برخی از آن‌ها را حرام می‌دانند. غذاها و امکاناتی دیگر زبانی برای انسان‌ها

**خلق اثر مذهبی
برای خوشایند
هر شخص حقیقی
یا حقوقی،
به تغییر و
تحریف بخش‌هایی
از اثر**

**به نفع آن شخص
خواهد انجامید
و از خلوص و
پاکی اثر و درستی
و شفافیت پیام آن
خواهد کاست.**

**در نتیجه،
آن چه در دید
مخاطب قرار می‌گیرد،
مجموعه‌ای ناهمگون
از عناصری است
که بخشی از آن
آموزه‌های اصیل
و بخشی دیگر**

**تحریف‌ها و تغییرها
یا کاستی‌ها و
خلأهایی است که
مایه گسست
یا ناهمگونی فکری
در مخاطب می‌شود**



ندارند، اما خداوند هر ترکیب از آن‌ها را متناسب با صلاح جسم، روح، فکر، ذوق و احساس هر انسان و تفاوت‌هایی که با دیگران دارد، برای او قرار داده است؛ همانند پزشکی که دارو و غذای هر بیمار را متناسب با وضعیت و نیاز او تعیین می‌کند. اگر شخصی بخواهد رژیم غذایی و دارویی دیگری را مصرف کند، باعث ضرر و زیان خود خواهد شد. این بخشی دیگر از چیزی است که ادیان و مذاهب، با عنوان «مال حرام» از آن می‌برند. غصب، تضييع حقوق، دزدی، رشوه، مالی که مالیات آن پرداخت نشده است و از این قبیل، از مصداق‌های مال حرامند.

گذشتگان ما به استناد آیات و روایات، بر این باور بوده‌اند که ورود ذره‌ای از مال حرام به زندگی شخصی، مایه لطمه‌هایی جسمی، روحی، فکری، ذوقی و احساسی به او خواهد شد. به عکس، تغذیه از مال حلال، به روشنی روح و فکر، بالندگی ذوق و احساس و نیروی تن و جان خواهد انجامید. بنابراین، یکی از مهم‌ترین توصیه‌های آنان برای خوشبختی و سعادت انسان‌ها و پیشرفت آن‌ها در مسیر کمال، بهره‌گیری از مال حلال و پرهیز از مال حرام یا شبه‌ناک بوده است. برای نمونه، شیخ‌بهائی در منظومه‌ی نان و حلواى خود، چنین توصیه‌ای به رهروان راه دین و عرفان و شناخت بهتر دارد:

«لقمه کآمد از طریق مُشْتَبِه
خون خور و خاک و برآن دندان منه
کان تو را در راه دین مفتون کند
نور عرفان از دلت بیرون کند.»

اگر بخواهید فعالیت ادبی یا هنری شما، از دستبرد حرام و در نتیجه بی‌بهرگی از اندیشه و احساسی والا و روشن در امان بماند، باید در منابع و مصارف مالی آن، متوجه این چند نکته باشید:

الف. منابع تأمین مالی و اعتباری تولید یک اثر، نباید از اموالی باشد که به قیمت استثمار کارگران و کارکنان و پرداختن حقوق و دستمزد کافی به کارگزاران یا بهره‌گیری از روش‌های نامشروع مرسوم در ایجاد مناسبات بیمار اقتصادی یا فرار از زکات، خمس و دیگر وجوه شرعی یا تعاون، توافق، توطئه و همکاری در پایین نگه داشتن دستمزدها یا گران کردن نامشروع نرخ‌ها یا بهره‌گیری مخفیانه و اختصاصی از اطلاعات، امکانات، موقعیت‌ها و اموالی که دیگران را نیز در آن حقی مساوی است (رانت) یا پوشاندن و مخفی نگه داشتن اطلاعاتی مربوط به حقوق مالی، انسانی و شهروندی از دیگران یا حيله‌هایی شرعی یا روش‌هایی از این قبیل به دست آمده‌اند. گاه نیز اشخاصی حقیقی یا حقوقی، برای تطهیر و پوشاندن مفاصد اقتصادی خود، دست به تأسیس مراکز یا بنیادها و نهادهایی خیریه، عام المنفعه و فرهنگی می‌زنند و هزینه‌هایی در راه‌های به اصطلاح مقدس متحمل می‌شوند. به این کار، پولشویی می‌گویند. طبیعی است که طرف قرارداد با این مراکز شدن نیز مصداقی دیگر از دریافت مال حرام است.

ب. پرداخت‌های شما به همکاران یا دستیارانتان در تولید یک اثر، نباید کمتر از نرخ عادلانه براساس معیارهای مذهبی باشد و یا با تأخیر از سوی شما مواجه شود. اگر این موضوع را رعایت نکنید، زندگی مالی و در نتیجه حیات فکری، علمی، ادبی و هنری و حتی سلامت جسمی شما به خطر خواهد افتاد و از توفیق خلق اثری ارزشمند محروم خواهید شد. برای این که متوجه باشید که چه نرخ‌ی برای چه کاری براساس معیارهای مذهبی عادلانه است، به این نکته توجه داشته باشید:

ب - ۱. هر انسانی با حداقل ۶ و حداکثر ۸ ساعت کار روزانه، باید درآمدی داشته باشد که با آن بتواند خوراک، پوشاک، مسکن و وسایل زندگی برای خود، همسر و حداقل دو فرزند خویش در حد نیاز تهیه کند و بقیه وقت خود را به

یادگیری‌های دینی و مذهبی جدید، تنوع و استراحت، فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی و امور معنوی بگذرانند. در واقع حداقل حقوق یا دستمزد پرداختی ما به کسانی که برای ما کاری انجام می‌دهند، باید به اندازه‌ای باشد که به ازای ۶ تا ۸ ساعت کار، ضمن گذراندن زندگی عادی خود و خانواده، بتوانند نیمی یا بیش از نیمی از آن را نیز ذخیره کنند تا در مدتی بین ۵ تا ۸ سال، امکان ساخت یا خرید خانه هم برایش موجود باشد. مقدار این مبلغ، براساس وضعیت هر زمان و براساس بهای کالاها و اموال منقول و غیرمنقول در هر دوره تعیین می‌شود.

شما اگر می‌خواهید انسانی والا باشید و کاری والا تولید کنید، باید محاسبه مبلغ پیشنهادی برای قرارداد پروژه خود را از نظر نیروی انسانی، بر این اساس انجام دهید. مبدا همانند بسیاری از آن‌ها که آرمانی نمی‌اندیشند، محاسبه اجناس و سخت‌افزارها و لوازم مربوط به کار را براساس نرخ واقعی بازار انجام دهید، اما هزینه نیروی انسانی را - که بخش اصلی و اساسی هر فعالیت است - بر پایه نرخ‌های استثماری و به دور از دستورهای مذهبی برآورد کنید. متأسفانه تورم بی‌ضابطه سال‌های اخیر در کشور ما، باعث شده است که ذهن اهالی فرهنگ، با اعداد و ارقام ریالی و تومانی گول بخورد و متوجه نباشد ارزش واقعی هر پول، به پشتوانه و قدرت خرید آن است. در نتیجه نرخ فعالیت‌های نگارشی و پژوهشی، بسیار بی‌ضابطه و پایین تعیین می‌شود. این بی‌توجهی، یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر بر کاهش کیفیت نوشته‌ها، پژوهش‌ها و طرح‌ها و برنامه‌هاست. از آن رو که مجالی برای کار بیشتر و عمیق‌تر در اختیار اهل فن نمی‌گذارد تا به ارتقای کیفی فعالیت‌های خود و کوشش‌ها، پژوهش‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های ارزشمند بپردازد. برای نمونه، اگر نرخ واقعی نمونه‌خوانی در دهه پنجاه خورشیدی، ۰/۵ (نیم) ریال تعیین شده باشد، با مقایسه‌های ساده میان ارزش طلا یا ارزهای معتبر در آن سال‌ها با وضع فعلی، می‌توان دریافت که نرخ واقعی این کار در شرایط حاضر چه قدر باید باشد. بقیه مبالغ مربوط به ساعت کاری‌های فعالیت‌های علمی یا حق التحریرها، حق ترجمه‌ها، حق ویرایش‌های گوناگون، مشاوره‌های علمی یا هنری و ادبی و دیگر فعالیت‌های فرهنگی را به همین قیاس محاسبه کنید. امیر مؤمنان علی (ع)، در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر، توصیه می‌کند که کارگزاران باید از لحاظ مالی و مادی هیچ‌گونه کمبودی احساس نکنند تا در برابر شما هیچ حجتی برای کم‌کاری، ضعف کیفی فعالیت یا فساد و دوری از حق نداشته باشند.

در هر حال، نگران نباشید اگر برآوردهای مالی شما برای دست‌اندرکاران فعالیت‌های فرهنگی، به این بینجامد که برای نیروی خدماتی تا پژوهشگر و کارشناس عالی طرح با ۱۵۰ - ۲۰۰ ساعت کار در ماه، حداقل بین ۵ تا ۲۰ سکه طلا در نظر بگیرید یا حق المشاوره ساعتی مشاوره‌های موردی را جلسه‌ای نیم سکه طلا برآورد کنید. به یاد داشته باشید که اولاً (به قول فروغ فرخزاد) «هیچ صیادی در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد، مرواریدی صید نخواهد کرد» و ثانیاً اگر شما از دریافت چنین موضوع مذهبی ساده و اولیه‌ای در زمینه اقتصاد و نقش آن در پیشبرد فرهنگ و دانش ناتوان باشید یا نخواهید از آن دفاع و براساس آن عمل کنید، چگونه خواهید توانست مذهبی باشید و مفاهیم عمیق مذهبی را دریابید و به مخاطب خود منتقل سازید؟

ب - ۲. پس از برآورد حق‌الزحمه خود و آن‌ها که باید حق‌الزحمه‌ای از شما دریافت کنند، به علاوه لوازم، امکانات و تجهیزاتی که برآوردی براساس واقعیت‌های بازار درباره آن‌ها باید داشته باشید، مبلغ و برآورد خود را تعیین و پیشنهاد کنید. اگر مورد پذیرش واقع شد که هیچ، وگرنه هرگز به سودای جذب کار و ترس از این که دیگری با پیشنهاد پایین‌تر کار را بگیرد، تن به استثمار دیگران ندهید. اگر مذهبی باشید، این اطمینان را خواهید داشت که پذیرش این کار، با چنین کارفرمایی به سود شما نبوده و خداوند در صورت صلاحدید حکیمانه خود، پروژه مناسب‌تری برای شما در نظر گرفته است. اگر مذهبی هم نباشید، این اطمینان را خواهید داشت که اگر تعرفه‌های شما براساس کیفیت کار شما و کیفیت کارتان مرهون دانش، تخصص، دقت، کوشش، تیزی، بصیرت و پاک‌ی شما و عوامل شماسست، مسئولان، طراحان و هزینه‌کنندگان فهیم فرهنگی، تفاوت کار شما و دیگران را درخواهند یافت، ارزش کار شما را خواهند دانست و نگران صرف هزینه بالا برای کار والای شما نخواهند بود. از نظر موقعیت دنیایی نیز این شهرت برای شما خواهد بود که نرخ بالا می‌گیرید، اما پژوهشگر، نویسنده، ویراستار، شاعر، فیلم‌نامه‌نویس، تصویرگر، کارگردان، منشی صحنه، طراح صحنه، چهره‌پرداز، و ... یا مشاوری در سطح خوب یا عالی هستید.

ج. پرداخت حقوق، دستمزد، حق‌التحریر، حق‌الترجمه، حق ویرایش و دیگر هزینه‌های کار تولیدی از آغاز تا حق مشاوره‌های گوناگون، باید در حداقل زمان ممکن صورت پذیرد. اگر فردی مذهبی باشید و مذهب شما توصیه کرده باشد که دستمزد کارگر را باید پیش از خشک شدن عرقش پرداخت، هرگونه تأخیر در پرداخت‌ها را کاری «خلاف شرع» خواهید دانست.

د. توجه به نکات بالا یا بی‌توجهی به آن‌ها، می‌تواند مایه نشاط یا افسردگی دست‌اندرکاران و کارگزاران فرهنگی

هسته دین
در گذر زمان و در
مواجهه با مکان‌ها
و انسان‌ها و
شرایط مختلف و
بر اثر دین‌ورزی یا
دین‌سنیزی انسان‌ها،
پوسته‌ها
پوسته‌هایی می‌باید
که شامل تاریخ دین،
جوامع دینی،
نهادهای دینی،
رهبران دینی،
دین‌داران، بازتاب‌های
اعتقاد و رفتارهای
دینی، فرهنگ یا
خرده‌فرهنگ دینی،
علوم و معارف
دینی، هنرها و
فنون دینی، متون
دینی، تحریف‌ها،
جعلیات، خرافات،
مذاهب، فرقه‌ها،
جزم‌ها، و جمودها
یا نواندیشی‌ها و
پوییش‌ها و غیر این‌ها
می‌شود



یا غیر فرهنگی باشد و تأثیری بسیار بر کیفیت، خلاقیت و اثربخشی کارشان بگذارد. توجه به این نکته‌ها یکی از کلیدهای اساسی موفقیت خارجیان و عدم موفقیت ما در بسیاری از زمینه‌هاست.

به دلیل نبود مجال لازم، از ذکر نمونه‌هایی از توجه یا بی‌توجهی به این نکات که مایه ارتقا یا افت کیفی فعالیت‌ها شده است، چشم می‌پوشیم. نیز به این نکته توجه می‌دهیم که در زمینه‌های مسائل اقتصادی و به ویژه مدیریت فعالیت‌های فرهنگی، نکات و ظرایف دیگری نیز هست که گاه از نظر دور می‌ماند، اما تأثیر آن چشمگیر و غیرقابل انکار است.

۱-۳. مذهب و مذهبی: کدام مذهب؟

مقصود ما از «مذهب» در این نوشتار، «نگرش نسبت به یک دین» یا به عبارت دیگر: «قرائتی از یک دین» است. مثلاً مذهب «شیعه» در دین «اسلام»، معتقد به این نیست که اسلام چیز دیگری است و مذهب شیعه انشعابی از این دین محسوب می‌شود، بلکه شیعه مدعی است که «اسلام واقعی» است. به عبارت دقیق‌تر، شیعه این ادعا را دارد که قرائت درست از اسلام را داراست و اگر کسی بخواهد مسلمان باشد، باید از راه و روش این مذهب پیروی کند. به همین نحو، مذهب سنی در اسلام و مذاهب کاتولیک، پروتستان و ... در دین مسیح و مذاهب دیگر در ادیان دیگر نیز چنین ادعایی دارند.

اما مقصود ما از «دین» در این جا، «دین کامل الهی» است؛ یعنی اولاً دینی که از سوی خداوند و به وسیله پیامبرش برای مردم آمده است و ثانیاً دینی که کامل باشد. منظور از دین کامل، دینی است که دارای روح، گوهر، حقیقت و باطنی است که به صورت پیام، در قالب هست‌ها و بایدهایی ظهور و بروز می‌یابد و هدف آن خوشبختی انسان‌هاست. این هست‌ها شامل آگاهی‌هایی درباره گذشته، حال، آینده و حقایقی فرا زمانی‌اند و از مبدأ جهان و پدیده‌ها، تاریخ، طبیعت، جهان‌شناسی، زمان‌شناسی، علم، فلسفه و حکمت، پایان جهان و پدیده‌ها، مرگ و پس از مرگ، سرنوشت انسان‌ها و پدیده‌ها، نقش و جایگاه انسان در هستی و قوانین حاکم بر جهان هستی و پدیده‌هایش و نیز ویژگی‌های پدیدآورنده جهان سخن می‌گویند. این هست‌ها، نگرش، بینش و احساس یک انسان دینی را سامان می‌دهند. بایدهای دین کامل، شامل دستورهای فردی یا جمعی اخلاقی و عرفانی و دستورهای فردی یا جمعی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شوند و حیطه‌هایی وسیع را از عبادات، مناسک و شعائر گرفته تا دستورها و فرمان‌هایی کلی یا جزئی مرتبط با حقوق، ضوابط و شرایط رفتارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی بهداشتی، هنری، نظامی و انتظامی را در بر می‌گیرند. این بایدها، چارچوب‌های کنش و رفتار یک انسان دینی را برای رسیدن به خوشبختی تعیین می‌کنند.

این روح، گوهر، حقیقت و باطن که در صورت پیام، از سوی پیامبر در قالب هست‌ها و بایدهایی مندرج در کتابی آسمانی آمده، هسته اصلی و اصل دین آسمانی کامل را تشکیل می‌دهد.

اما این هسته دین در گذر زمان و در مواجهه با مکان‌ها و انسان‌ها و شرایط مختلف و بر اثر دین‌ورزی یا دین‌ستیزی انسان‌ها، پوسته یا پوسته‌هایی می‌یابد که شامل تاریخ دین، جوامع دینی، نهادهای دینی، رهبران دینی، دین‌داران، بازتاب‌های اعتقاد و رفتارهای دینی، فرهنگ یا خرده‌فرهنگ دینی، علوم و معارف دینی، هنرها و فنون دینی، متون دینی، تحریف‌ها، جعلیات، خرافات، مذاهب، فرقه‌ها، جزم‌ها، و جمودها یا نواندیشی‌ها و پوییش‌ها و غیر این‌ها می‌شود.

دو دین بزرگ یهودیت و اسلام، از مصداق‌های دین کامل الهی‌اند.

هر تعریف دیگری از دین داشته باشید، بخشی از تعریفی است که در بالا آمد. بنابراین، آن چه در این نوشتار آمده

است و خواهد آمد، در کل یا جزء قابل استفاده در هر یک از تعاریف دیگر دین و دین‌داری نیز خواهد بود. این نکته را نیز در همین جا باید مطرح ساخت که هر دین الهی - یا گاه غیر الهی - مدعی است که حامل نگرش و دستور درست یا به روز، یا درست‌تر یا کامل‌تر نسبت به دیگر ادیان الهی یا غیرالهی است و دیگر ادیان حاوی نگرش‌ها یا دستورهای نادرست، یا زمان گذشته، یا ناقص‌ترند.

فرض این نوشتار در مذهبی بودن شما، به عنوان پیش شرط خلق اثر مذهبی، این است که ایرانی، مسلمان پیرو مذهب شیعه (جعفری) دوازده امامی و معتقد و پایبند فکری و عملی آن و دارای تجربه مذهبی و فردی حق‌گرا و حق‌جو هستید که می‌خواهید پوسته خرافات، جعلیات، تحریف‌ها، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگهای جوامع و نهادهای مذهبی، متون دست‌چندم مذهبی و دیگر موانع را کنار بزنید و به گوهر، حقیقت، باطن و روح دین یا بینش و نگرش اصیل و حقیقی دینی (هست‌ها و نیست‌ها) یا آموزه‌ها و دستورهای واقعی دین (بایدها و نبایدها) یا واقعیت تاریخ دینی یا شناخت درست از شخصیت‌ها، مکان‌ها و نهادها و شرایط دینی یا آگاهی از رخدادها و بازتاب‌ها و عمق کنش‌ها و واکنش‌های دینی دست یابید. آن گاه یافته‌های خود را در قالب اثری ادبی یا هنری به دیگران (مخاطباتان) منتقل کنید. در راه دستیابی به حقیقت و واقعیت نیز از هرگونه ابزاری که علم و آگاهی لازم و راست و درست را به شما ببخشد، بهره می‌گیرید؛ خواه این ابزار از جدیدترین و پیشروترین یافته‌های علم و دانش و معرفت و پژوهش باشد، خواه از کهن‌ترین و سنتی‌ترین دانش‌ها، روش‌ها و دستاوردهای تحقیق و محققان گذشته به شمار آید.

اندک توجه به فهرست این ویژگی‌ها برای خالق یک اثر مذهبی و برای دستیابی به حقیقت و واقعیت دینی، روشن می‌سازد که چرا آثار به ظاهر مذهبی پدیدآورندگان غیرمذهبی، به طور طبیعی می‌تواند سطحی و کم‌محتوا باشد؛ اگر گاه نتوان آن‌ها را غیرمذهبی، یا ضد مذهبی یا بی‌محتوا دانست.

اندیشمندی، پرسشگری، حقیقت‌جویی و آن‌گاه عمل براساس یافته‌های مبتنی بر حقیقت، ویژگی پایبندان مذهب حق است. با حذف هر یک از بخش‌های این ویژگی، انسانی لامذهب، متعصب در چیزی که نام مذهب بر آن نهاده است، متظاهر به مذهب، سنتی غیرمذهبی، گول خوری ساده لوح، مؤمنی با ضعف ایمان مذهبی، یا معاندی آگاه و مذهب ستیز خواهیم داشت که محصول فکری او هرچه باشد، خدمتی به مذهب نیست.

از همه آن چه درباره «مذهب» و «مذهبی بودن» گفته شد، می‌توان دریافت که «مذهبی» نام دیگر «دینی»، «روشنفکر»، «اندیشمند»، «پژوهشگر»، «بیدار»، «مصلح»، «عالم»، «عارف»، «حکیم»، «مؤمن»، «بیدارگر» و «تیزهوش» است. هم با ملاحظه آثار بزرگ ادبی و هنری، می‌توان دریافت که در پشت هر اثر، پدیدآورنده بزرگی قرار دارد که بهره‌ای بسیار از تفکر و تحقیق و آرمانی والا دارد. اگر ویژگی یک اثر ارزشمند مذهبی را قالب زیبا، محتوای عمیق و تأثیر بیدارگرانه آن بر مخاطب بدانیم، درخواهیم یافت که تنها کسی شایسته خلق اثری مذهبی است (پدیدآورنده) که متفکر متعهدی در مذهب (برای محتوا و پیام اثر)، دانای اهل فنی روزآمد و هنرمند در رشته خود (برای قالب اثر) و نیازشناسی زمان شناس و روان شناس در شناخت مخاطب (برای مخاطب‌شناسی و مخاطب‌گرایی) باشد؛ همو که می‌تواند با افتخار این بندهای سروده طاهره صفا رزاده را مصداقی از خویش ببیند:

«من اهل مذهب پرسشکارانم

«من اهل مذهب بیدارانم.»

۲. محتوا

۲-۱. محتوا و قالب: بنیان و نقش ایوان

محتوای اثر دینی، مهم‌ترین عنصر در تمایز موضوعی اثر از آثار دیگر با موضوعی دیگر است. به عبارت دیگر و به عنوان مثال، آن چه اثر دینی را از اثر غیردینی تمایز می‌بخشد، محتوای آن است؛ وگرنه آثار دینی می‌توانند همه قالب‌های آثار غیردینی را به خود بگیرند و پیام‌های مشترک بسیاری نیز با آثار مفید، سازنده و حق‌گرای غیردینی داشته باشند. توجه به درستی، راستی و واقع‌نمایی محتوای اثر دینی تا آن اندازه مهم است که پی‌ریزی و مستحکم‌سازی یک ساختمان. بهترین و زیباترین قالب‌ها و پرداخت‌ها برای اثر مذهبی که محتوای مستند و مستدلی ندارد، مصداق این بیت سعدی است:

«خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است.»

یا این سخن دیگر او که: خطی زشت است که به آب زر نبشته است.»

اندیشمندی،

پرسشگری،

حقیقت‌جویی

و آن‌گاه عمل

براساس یافته‌های

مبتنی بر حقیقت،

ویژگی پایبندان

مذهب حق است.

با حذف هر یک از

بخش‌های این ویژگی،

انسانی لامذهب،

متعصب در چیزی که

نام مذهب بر آن

نهاده است،

متظاهر به مذهب،

سنتی غیرمذهبی،

گول خوری ساده

لوح، مؤمنی با ضعف

ایمان مذهبی،

یا معاندی آگاه و

مذهب ستیز

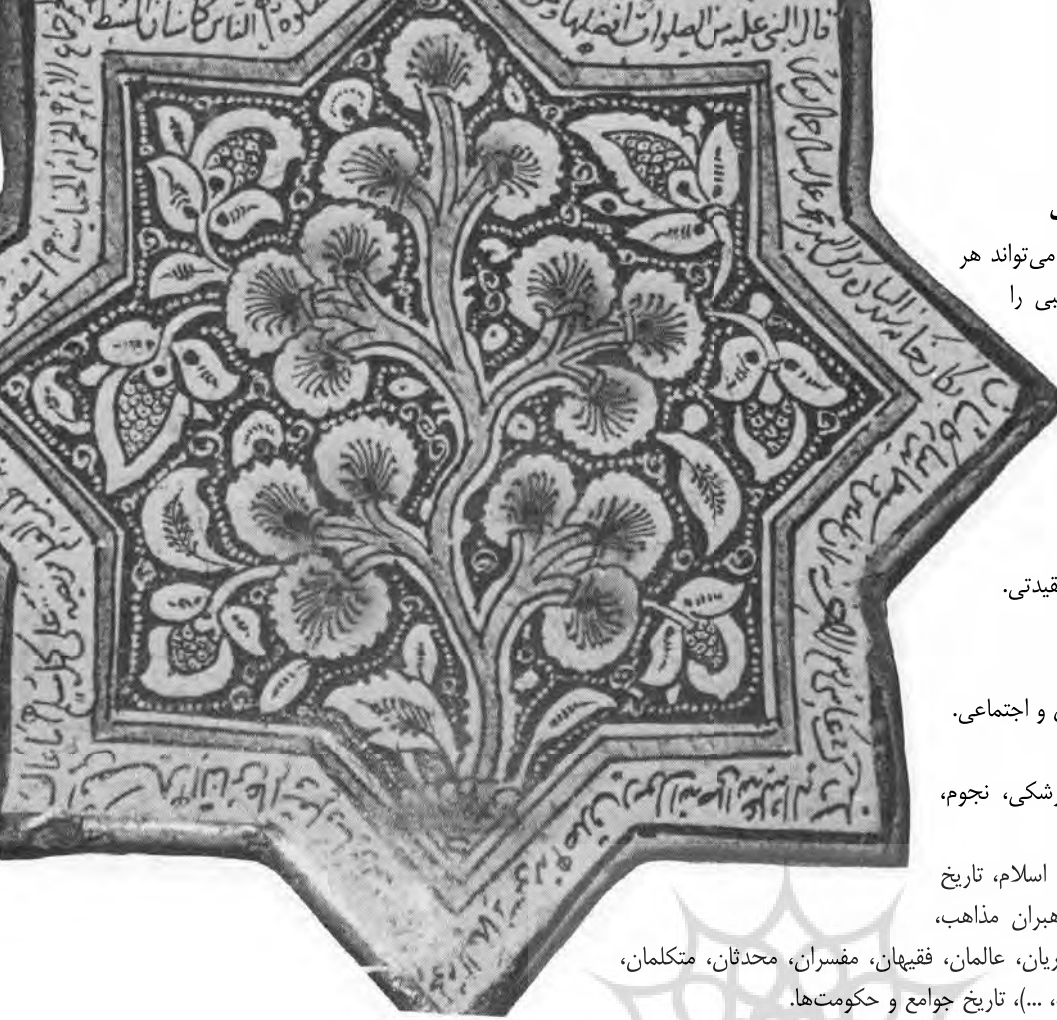
خواهیم داشت

که محصول فکری او

هرچه باشد،

خدمتی به مذهب

نیست



۲-۲. تنوع محتوا: از خاک تا افلاک

محتوای یک اثر مذهبی در دین کامل، می‌تواند هر بخش یا چند بخش از حیطه گسترده مذهبی را شامل شود که به صورت زیر، قابل تقسیم‌بندی به سه دسته واقع‌گرا و مستند، بازسازی و بازآفرینی (نیمه تخیلی) و تخیلی است:

الف. واقع‌گرا و مستند

الف - ۱. کتاب آسمانی و تفسیر آن.

الف - ۲. حدیث و تفسیر آن.

الف - ۳. کلام، حکمت، فلسفه و مبانی عقیدتی.

الف - ۴. اخلاق فردی و اجتماعی.

الف - ۵. عرفان و علوم فراحسی.

الف - ۶. فقه، آداب، سنن و حقوق فردی و اجتماعی.

الف - ۷. نیایش.

الف - ۸. علوم و دانش‌های دینی (پزشکی، نجوم، زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی، فیزیک، ...).

الف - ۹. تاریخ، شامل: تاریخ انبیا، تاریخ اسلام، تاریخ پیامبر اسلام (ص)، تاریخ زندگی ائمه و رهبران مذاهب، زندگی شخصیت‌های مذهبی (صحابه و حواریان، عالمان، فقیهان، مفسران، محدثان، متکلمان، حکیمان و فیلسوفان، عارفان، مؤمنان برجسته، ...)، تاریخ جوامع و حکومت‌ها.

ب. بازسازی و بازآفرینی (نیمه تخیلی)

ب - ۱. گرت‌برداری از داستان، حکایت، تاریخ یا موضوع و مفهومی مذهبی و خلق اثری مشابه آن.

ب - ۲. الهام از داستان، حکایت، تاریخ یا موضوع و مفهومی مذهبی و خلق اثری جدید یا الهام از آن.

ج. تخیلی

ج - ۱. خلق اثری با الهام از روح، گوهر، حقیقت و باطن مذهب.

ج - ۲. خلق اثری با هدفی مشابه هدف مذهب یا در راستای آن هدف.

ج - ۳. خلق اثری در حوزه‌ای مشترک با یکی از حوزه‌های مذهب.

در این میان، برخی بخش‌ها یک یا چند یا گاه همه بخش‌های دیگر را نیز دربرمی‌گیرند و شما بدون آگاهی لازم از دیگر بخش‌ها، نخواهید توانست حق آن بخش را ادا کنید. مثلاً اگر قرار باشد داستانی مرتبط با یک شخصیت مذهبی اسلامی بیافرینید، باید مجموعه‌ای از آموزه‌های قرآنی، عقاید، حدیث و تفسیر، فقه و اخلاق و آداب و سنن و نیایش‌ها و عرفان و علوم اسلامی را که در زمره عناصر سازنده کنش‌ها، منش‌ها و بینش‌های او هستند و بخشی مهم از شخصیت و رفتار او را سامان می‌دهند، بشناسید.

ملاحظه گستره یک دین کامل، نشان می‌دهد که تا چه حد دست آفرینندگان مذهبی برای خلق آثار مذهبی باز است؛ بدون این که به کمبود یا ضعف موضوع و مضمون دچار شوند.

۳-۲. گردزدایی از چهره مذهب: راهی جز پژوهش نیست

برای خلق اثری مذهبی، باید مذهب را بشناسید. برای شناخت مذهب، باید نخست خود را از آن چه به نام مذهب رواج یافته یا مشهور شده است، برکنار بدارید و سپس به جست و جوی آن چه واقعاً مذهبی است، بپردازید. این شناخت و تفکیک میان مذهب و آن چه نام مذهب به خود گرفته، نیازمند کوشش، پژوهش و مطالعات لازم و کافی است.

بنابراین، برای خلق اثری مذهبی، از همان آغاز باید خود را آماده کوشش، پویش و پژوهشی کنید که هر فرد مذهبی، برای ارتقای ایمان خود و هر خالق یا دست‌اندرکار اثری مذهبی، برای ارتقای کیفیت کار خود، به آن نیازمند است. البته اگر در هر زمینه پیش از شما پژوهشی صورت گرفته است، نیازی به پژوهش دوباره - و در واقع دوباره کاری - شما نیست.

ممکن است این پرسش یا پیشنهاد را مطرح کنید که کار پژوهش مذهبی را متخصصان مذهب باید سامان دهند و نتیجه آن را در اختیار اهل فرهنگ، ادب و هنر بگذارند تا آنان قالب‌های مناسب به آن ببخشند، نه این که اینان با توجه به آن که تخصصی دیگر دارند، وارد پژوهش در حیطه‌ای شوند که در تخصص آن‌ها نیست.

این سخن از سویی درست است و چه بهتر که چنین رخدادی فرخنده پدید آید، اما از سویی متأسفانه چنین فعالیتی هنوز - بجز در مواردی نادر - سامان نپذیرفته است و از سوی دیگر، شما اگر در هر بخش کار خود، با مشکلی پژوهشی روبه‌روید که خود از عهده آن بر نمی‌آیید باید همکار و دستیار پژوهشگر داشته باشید و از کارشناسان و مشاورانی پژوهشگر و متخصص رشته‌های گوناگون علوم مذهبی بهره بگیرید. به علاوه، این را اندکاندک باید بپذیریم که کار نویسندگی، مترجمی، شاعری، ویراستاری، تصویرگری، فیلم‌نامه‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، کارگردانی، طراحی لباس، نویسنده‌گری، مترجمی، شاعری، ویراستاری، تصویرگری، فیلم‌نامه‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، کارگردانی، طراحی لباس، طراحی صحنه، چهره‌پردازی، منشیگری صحنه، کارگردانی، تدوینگری، بازیگری و حتی تهیه‌کنندگی مذهبی، فعالیت و دست اول تخصصی بین رشته‌ای است و کسی که می‌خواهد در این زمینه فعالیت کند، باید دو تخصص داشته باشد: تخصصی در

نخستین منبع

دست اول

برای هر مسلمان، رشته خود و تخصصی در مذهب.

قرآن کریم است. در هر حال، برای هر یک از فعالان فرهنگی عرصه مذهب، محتوای اثر باید درونی شده باشد و این درونی شدن، جز

کامل‌ترین منبع

از راه مطالعه و بررسی و در صورت لزوم پرسش، کوشش و پژوهش به دست نمی‌آید.

بندهای بعد، شما را به اختصار با نخستین گام‌های ورود به متن و محتوای مذهب و شناخت دین خالص آشنا می‌سازد.

دست اول شیعی نیز

مجموعه کتاب‌های

۲-۴- از گوش تا کتاب: بر ساخته‌های معاصر

«الکافی»، نوشته

نخستین مرحله در پژوهش مذهبی برای خلق اثر مذهبی، تردید در شنیده‌هاست؛ شنیده‌هایی از مردان و زنانی که به

محمد بن یعقوب نام مذهب و در جایگاه واعظ، گوینده، مداح، سخنران، پیر، مراد، مرشد و حتی گاه استاد و معلم به ذکر موضوع‌ها، مسائل،

کلینی است حکایت‌ها و حتی درس‌هایی درباره مذهب می‌پردازند.

که شامل «اصول»

به تجربه ثابت شده است که همه مردم، همه گفته‌های خود را براساس پژوهش‌ها و مستندات معتبر تنظیم نمی‌کنند

«فروع» و «روضه» و بسیاری از سخنان، به استناد و اعتبار سخنان دیگران یا منابع و مأخذ نامعتبر تنظیم می‌شود. گاه نیز تحلیل‌ها، تفسیرها

و برداشت‌های خود را به نام مذهب به دیگران انتقال می‌دهند.

می‌شوند.

بی‌گمان هدف از گفته‌های پیشین، این نیست که همه شنیده‌ها نادرست است، بلکه کافی است این احتمال، جدی

اصول کافی مجموعه گرفته شود که ممکن است عناصری از نادرستی یا ناراستی وارد گفتاری شود تا آن گاه شنونده، دست از پذیرش بی‌چون

روایات عقیدتی، و چرا و بدون تحقیق آن بردارد.

کلامی، تاریخی،

در این حالت، باید به سوی متن مذهبی رفت. با مقایسه شنیده‌ها با متون مذهبی، متوجه خواهید شد که معاصران تا

چه حد افزوده‌هایی به مذهب داده‌اند که گاه بی‌اعتبار و بی‌مدرک و گاه تفسیر و تعبیر و برداشتی نادرست از نوشته‌هاست.

تفسیری، عرفانی

گاه نیز تفسیر و تعبیر و برداشتی درست به قالب جمله یا عبارتی درمی‌آید و نقل می‌شود و شنونده می‌پندارد که عین نقل

و دعاها و

معتبر مذهبی است.

نیایش‌هاست

برای نمونه، عبارت‌ها و جملات «ان الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة» و «من زار عبدالعظیم بری کمن زار

الحسین بکربلا»، عین متن عبارت حدیث نیستند این عبارات و جملات، با تفاوت‌هایی اندک یا بسیار، از احادیثی استخراج

شده و به صورت جملاتی درآمده‌اند.

حتی گاه ممکن است این گونه نقل‌های گویندگان، به گونه‌ای ناخودآگاه صورت پذیرد و آن‌ها چنین پندارند که آن

چه می‌گویند، متن حدیث یا آیه است در حالی که در واقع استنباط آنان از احادیث یا آیاتی باشد.

برای نمونه، روزی یکی از علما در حین گفت و گو درباره موضوعی، از من درباره مستند آن پرسید. من جمله‌ای عربی

را شامل پنج کلمه از قول یکی از معصومان نقل کردم. او با تشکر و شادمانی از یافتن مستند موضوعی مهم، از من جدا

شد. چند روز بعد با من تماس گرفت و منبع نقل را پرسید. من پاسخ دادم که آن را در فلان کتاب و فلان فصل خوانده‌ام و

حدود جای آن در صفحات کتاب را نیز به او گفتم. چند روز بعد باز تماس گرفته و گفت که آن جمله را در آن کتاب نیافته

است. من سخن او را نپذیرفتم و گفتم که خودم آن را خواهم یافت و با او تماس خواهم گرفت. به سراغ آن کتاب رفتم

و صفحاتی را که حدس می‌زدم، نگاه کردم. چنان حدیثی نبود. کار به صفحات و فصل‌های مرتبط دیگر کشیده شد و باز

چنان عبارتی یافت نشد. کتاب‌ها و فصل‌های مرتبط دیگر را دیدم و نشانی از چنین عبارتی صریح ندیدم. سرانجام، دریافتم

که ناخودآگاه من با مطالعه روایات معتبر و مرتبط با موضوع، جمله‌ای کوتاه و کاملاً شبیه سخن معصوم ساخته است.

۲-۵. از کتاب تا منبع دست اول: بر ساخته‌های پیشتر

کافی نیست موضوعی را در کتابی بخوانید و به صحت آن اطمینان بیابید. ممکن است نویسنده آن کتاب، به استناد



شیده‌هایی نامعتبر، چنین موضوعی را نوشته باشد.

برای نمونه، برخی کتاب‌های امروزین کودک

و نوجوان، به بازنوشت و تصویرگری

حدیث کساء اختصاص دارند. این

نقل معروف، در هیچ یک از

منابع دست اول شیعی وجود

ندارد و تنها در حاشیه کتابی

متعلق به حدود چهار صد سال پیش،

آن هم با سندی ساختگی آمده است. حتی

آقا شیخ عباس قمی ابا داشته است که آن را در

مفاتیح‌الجنان خود نقل کند و تنها برخی ناشران بدون

اجازه و رضایت او، آن را به انتهای مفاتیح‌الجنان افزوده‌اند

(برای آگاهی بیشتر در این باره، نگاه کنید به مقاله نگارنده

با عنوان «بازنویسی حدیث کساء برای بچه‌ها (نگاهی به

مشکلات محتوایی)»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش

۹۶، مهر ۱۳۸۴، صص ۱۳۴-۱۴۱ و نیز کتاب «پژوهشی

درباره حدیث کساء»، نوشته محمد محمدی ری شهری،

نشر دارالحدیث، چاپ اول، تهران ۱۳۸۴).

این نمونه نشان می‌دهد که حتی کتاب‌های چند

صد سال پیش نیز لزوماً مستندی معتبر برای اصالت و صحت یک نقل منسوب به مذهب

نیستند و باید به متون نخستین سده‌های اسلام - آن هم کهنترین متون - مراجعه کرد. با این وصف،

آیا می‌توان نوشته‌های آثار مکتوب معاصر را بدون توجه به نقل امین آن از منبع و مأخذی معتبر، معتبر

دانست؟

حتی درباره رخدادهای مذهبی معاصر نیز این را باید دانست که بدون مراجعه مستقیم به منابع موثق کتبی و یا

شفاهی دست اول یا در صورت عدم امکان، نقل دست دوم منبع موثق از منبع موثق دست اول، نمی‌توان اطمینان به

صحت و دقت یک نقل داشت. حتی در دقت عکس‌ها، فیلم‌ها یا برنامه‌های مستند سینمایی یا تلویزیونی، با توجه به

حذف‌ها و تغییرهایی که در زمان تدوین یا ویرایش صورت می‌گیرد، تردید است و این حذف‌ها، اتصال‌ها و تقدم‌ها و تأخرها

در تدوین، می‌تواند مایه بدفهمی حقیقت شود. برای نمونه، همواره عکس یا بخشی از یک فیلم پخش می‌شود که در آن،

امام خمینی (ره) در حال گریه به خاطر شهادت استاد مرتضی مطهری است. این عکس یا فیلم مربوط به مراسمی است

که در قم، به مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری برپا شد. بخش حذف شده و خطاب‌رانگیز فیلم یا عکس، در این جاست که

در انتهای این مراسم، حجت‌الاسلام مروی - که در آن زمان روحانی جوانی بود - در پایان سخنرانی خود به مرثیه‌سرایی

برای امام حسین (ع) پرداخت و در آنجا بود که امام خمینی (ره) گریست.

نخستین منبع دست اول برای هر مسلمان، قرآن کریم است. کامل‌ترین منبع دست اول شیعی نیز مجموعه کتاب‌های

«الکافی»، نوشته محمدبن یعقوب کلینی است که شامل «اصول»، «فروع» و «روضه» می‌شوند. اصول کافی مجموعه‌

روایات عقیدتی، کلامی، تاریخی، تفسیری، عرفانی و دعاها و نیایش‌هاست. فروع کافی روایات فقهی و آداب و سنن را

دربار می‌گیرد. روضه کافی نیز مجموعه‌ای متنوع از روایاتی است که شامل موضوع‌های گوناگون می‌شود. این مجموعه از

سوی دارالکتب الاسلامیه چاپ شده و از سوی انتشارات علمیه اسلامیه، به ترجمه فارسی رسیده است.

در واقع با مطالعه و مراجعه به قرآن و مجموعه کتاب‌های کافی، شما می‌توانید به مجموعه‌ای دست یابید که مستند

و مبنای عمل و نظر مسلمانان شیعه صدر اسلام تا سده سوم هجری قمری است. طبیعی است که هرچه از سرچشمه دور

شویم، آب گل‌آلودتر و مواد اضافی داخل آن بیشتر می‌شود و بر دشواری کار ما برای دستیابی به آب زلال می‌افزاید.

از ویژگی کتاب‌های ارزشمند حدیثی و روایتی، این است که برای هر نقل خود، سلسله سندی دارند که براساس

کتاب‌هایی موسوم به «رجال»، می‌توان یک‌یک افراد سلسله سند را شناخت و به میزان اعتبار هر نقل و ناقلان آن پی

برد. مؤلفان آن‌ها نیز حدیث‌هایی را که خود قبول ندارند، ذکر نکرده‌اند.

اما در مراجعه به قرآن و اصول کافی هم گاه با مشکلاتی در دستیابی به حقیقت دین و مذهب مواجه خواهید بود.

۲-۶. از منبع دست اول تا اعتبار نقل: بر ساخته‌های کهن

کتاب کافی که معتبرترین کتاب روایی شیعه است نیز از نقل برخی روایات نامعتبر برکنار نمانده است. این امری طبیعی است؛ از آن رو که نه مؤلف آن و نه هیچ عالم شیعی مدعی نیستند که معصوم و از خطا برکنارند. حتی گاه احتیاط آن‌ها در رد یک نقل، موجب آن می‌شود که نقلی نامعتبر را در کتاب خود بگنجانند تا آیندگان تکلیف آن را معین کنند. به هر حال، اعتبار یک کتاب حدیث، به کوششی است که مؤلف آن در پیرایش احادیث داشته و در حد وسع خود کوشیده است تا از درج روایات نامعتبر در آن خودداری کند. این لزوماً به معنی خطاناپذیری مؤلف و اعتبار همه روایات آن نیست.

در بند پیش اشاره‌ای به شیوه نقل سند احادیث و روایات داشتیم. سلسله سند احادیث و روایات، به این صورت در کتاب‌های روایی دست اول نقل می‌شود که مؤلف کتاب می‌گوید من از فلانی و او از فلان کس و او از کسی دیگر... و همه را نام می‌برد - و او از رسول اکرم(ص) یا یکی از پیشوایان معصوم نقل می‌کند که چنین و چنان. این گونه نقل، به خواننده امکان می‌دهد که در میزان صحت نقل بررسی کند و ببیند که آیا این سند اشکالی دارد یا نه. اشکال سند حدیث به حداقل یکی از دو صورت ممکن است رخ دهد:

الف. زنجیره روایان در جایی گسسته باشد.

ب. یکی از روایان قابل اعتماد نباشد.

در هر یک از این دو حالت است که شما می‌توانید در صحت نقل حدیث از پیامبر(ص) یا امام(ع) تردید کنید. از راه‌های دیگر تردید در یک روایت و یک حدیث کتابی روایی، مخالفت متن آن با صریح قرآن، روح قرآن یا استنباط درستی از مجموعه آیات مرتبط با آن در قرآن است. در این حالت، شما می‌توانید به یقین بگویید که نقلی خاص با چنین ویژگی، نمی‌تواند سخن پیامبر خدا(ص) یا جانشین معصوم پیامبر خدا باشد. در واقع روایات ساختگی متون معتبر دست اول نیز همان منقولات و جعلیاتی هستند که همانند زمان ما ساخته شده و به متون راه یافته‌اند.

شما خود یا با همکاری کسی که علم رجال می‌داند و تسلطی بر قرآن دارد، می‌توانید این گونه روایات ساختگی را - که البته شمارشان در کتاب‌های روایی معتبر و دست اول شیعه اندک است - شناسایی کنید و موضوع و محتوای متن آن‌ها را به عنوان آموزه‌ای مذهبی نپذیرید و به دیگر نقل‌های منسوب به پیامبر(ص) و امام معصوم اعتماد کنید. پس از این مرحله، شما می‌دانید که چه مقدار متن آگاهی بخش و اصیل و قابل اعتماد درباره مذهب، در کنار قرآن دارید که می‌تواند دستمایه خاصی برای خلق آثار مذهبی شما باشد. نیز در خواهید یافت که چه مقدار نقل‌ها هستند که بسیار مشهورند و شما به درستی آن‌ها یقین داشتید، اما هیچ اصل و مأخذ معتبری ندارند.

البته آن چه درباره لزوم بررسی سند حدیث و عدم اعتماد به نقل‌هایی با سندهای مخدوش گفتیم، هم مورد پذیرش محققان گذشته و حال است و هم از پشتوانه استدلالی محکمی بهره می‌برد. با این حال، عده‌ای از محدثان، ارادتمندان کتاب‌های روایی و شیفتگان حدیث هستند که بدون دقت در سند یک حدیث، به توجیه آن می‌پردازند، رد حدیث را به صرف خدشه در راوی آن صحیح نمی‌دانند و معتقدند که ممکن است سند حدیثی درست نباشد، اما متن حدیث سخن معصوم باشد.

توجه به توضیح زیر، میزان اعتبار این ادعا را روشن می‌سازد:

وظیفه محدث - از آن رو که محدث است - توضیح و توجیه حدیث - به معنی سخن معصوم - است نه هر سخن درست - یا نادرست - که ممکن است سخن معصوم نباشد. بنابراین، وظیفه محدث است که نخست از نقل سخن معصوم مطمئن شود و سپس به توضیح و توجیه و تفسیر آن بپردازد. این نیز واضح است که هر سخن درست، لزوماً سخن معصوم نیست. برای بسیاری از سخنان نادرست نیز می‌توان توجیهی تراشید. بنابراین، توجیه یک سخن و حتی اثبات درستی یک سخن نمی‌تواند راهی به انتساب آن به معصوم بگشاید.

ذکر یک مثال شاید روشن‌گر باشد. اگر شخصی به نام الف نقل کند که شما گفته‌اید: «پایتخت کلمبیا بوگوتاست» و شخصی دیگر تحقیق کند و مشخص شود که بوگوتا به راستی پایتخت کلمبیاست، آیا معلوم می‌شود که شما این سخن را گفته‌اید؟ اگر شما چنین گزاره درستی را بر زبان نیاورده باشید، آیا کسی که این سخن را به شما نسبت می‌دهد (شخص الف)، دروغگو نیست؟

بی‌گمان ممکن است یک راوی دروغگو، سخنی یا نقلی راست هم بر زبان بیاورد، اما در این زمینه برای ما راهی علمی - نه فراعلمی - جز بررسی میزان وثوق یک راوی نیست.

پس از مرحله غربالگری روایات، باید درباره ترتیب و زبان قرآن و روایات و مشکلات بهره‌گیری از آن‌ها، متوجه نکاتی مهم باشید.

برای خلق

اثری مذهبی،

باید مذهب را

بشناسید.

برای شناخت مذهب،

باید نخست خود را

از آن چه

به نام مذهب

رواج یافته

یا مشهور شده است،

برکنار بدارید و

سپس به جست

و جوی آن چه

واقعاً مذهبی است،

بپردازید.

این شناخت و تفکیک

میان مذهب و

آن چه نام مذهب

به خود گرفته،

نیازمند کوشش،

پژوهش و مطالعات

لازم و کافی است

۲-۷. قرآن و روایات: اهمیت ترتیب

زمانی

قرآن کریم در زمانی حدود ۲۳ سال نازل شده و روایات معتبر شیعه، در گستره‌ای زمانی حدود ۳۰۰ سال پدید آمده‌اند. به حکم خرد، حکمت و به تصریح برخی آیات و روایات، زمان و مکان به دو گونه تأثیر خود را بر نزول و بیان آیات و روایات نهاده‌اند:

۱. مفاهیم متغیر دین، متناسب با شرایط و رخدادهای زمان و مکان، بیان شده و تغییر یافته‌اند.
۲. مفاهیم ثابت دین، متناسب با درک و ظرفیت پذیرش مخاطب، سطح‌بندی و در بستر زمان، مکان و شرایط برخاسته از زمان و مکان و روند رو به رشد و فزاینده درک مخاطب در گذر زمان در سطوح مختلف بیان شده‌اند.

بی‌گمان برای هر که می‌خواهد نگاهی تاریخی به مذهب داشته باشد، سیر نزول قرآن و سیر بیان روایات، دستمایه‌ای بسیار جذاب، پرکشش و شیرین برای خلق آثار داستانی و تاریخی است. کنش‌ها و واکنش‌های خداوند و اولیای او که هر یک مایه کنش‌ها و واکنش‌های دیگری است، سرمایه‌ای غنی، مفاهیمی عمیق و حقایقی چندلایه در اختیار هر اهل هنر می‌گذارد تا براساس آن‌ها آثاری پربار، تأثیرگذار، و ماندگار بیافریند.

قرآن کریم، به صورتی که در دست همگان است، براساس ترتیب نزول سامان نیافته است. روایات نیز در کتاب‌های روایی به صورتی زمانی مرتب نشده و بیشتر موضوعی‌اند. مرتب کردن آیات و روایات به ترتیب زمان، چه در کل و چه در هر موضوع، کاری آسان نیست؛ بی‌آن که غیر ممکن باشد و بی‌آن که جاذبه آن، یک پژوهشگر، اهل قلم یا هنرمند مذهبی را وسوسه نکند.

برای هر مصلح اجتماعی، برای هر که می‌خواهد جامعه را تغییر دهد و حرکتی بیافریند و برای آن که می‌خواهد طرحی دینی یا مذهبی، در مجموعه‌ای کوچک یا بزرگ به اجرا بگذارد، مطالعه آیات و روایات به ترتیب زمانی، بسیار آموزنده و از دیرباز دغدغه بسیاری از متفکران اسلامی بوده است.

اگر خواستید سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول بخوانید، به کتاب «تاریخ قرآن»، نوشته دکتر محمود رامیار، از انتشارات امیرکبیر مراجعه کنید. در آن‌جا جدولی خواهید دید که ترتیب‌های گوناگون را ذکر کرده است. در این میان، ترتیب امیرالمؤمنین(ع)، امام جعفر صادق(ع) و ابن عباس را بسیار شبیه یکدیگر خواهید یافت. اگر مشترکات این سه ترتیب، به علاوه رأی اکثر آن‌ها را در موارد اختلاف، معیار مطالعه قرآن قرار دهید، به ترتیب واقعی سوره‌های قرآن بسیار نزدیک خواهید شد.

این ترتیب را در کنار روایات صحیح مربوط به زندگانی و تاریخ حیات رسول اکرم(ص) قرار دهید تا هم در مواردی که ترتیب آیات برخی سوره‌ها مطابق ترتیب موجود نیست، بتوانید به ترتیب درست نزدیک شوید و هم تعامل میان قرآن و مخاطبانش را به نظاره بنشینید.

روایات معتبر را نیز نخست براساس ترتیب زندگی معصومان می‌توان مرتب کرد. آن‌گاه با توجه به تاریخ صحیح حیات آن‌ها و روایانشان، می‌توان به مواردی اندک یا بسیار از ترتیب دست یافت.

در مواردی که اطلاعات مستند ما ناقص است، گاه می‌توانیم از متن برخی آیات یا روایات، به تقدم و تأخر آن‌ها پی ببریم.

این کوشش گرچه مشکل، شیرین و گرچه ناقص، در همان حد برای اهل کار خلاق مذهبی پربار و پردست‌آورد است.

۲-۸. داده‌های برون مذهبی: مکمل و روشن‌گر

مجموعه اطلاعاتی که از متون پیراسته مذهبی به دست می‌آورد، گرچه به خودی خود حاوی داده‌هایی بسیار و قابل تنظیم به صورت متنی مذهبی‌اند، چنانچه وارد حوزه رمان، فیلم، نمایش یا حتی داستان کوتاه، شوند ناکافی و ناقص به نظر می‌آیند.

در این جا توجه داشته باشید که آن همه دقت و وسواس در غربال کردن و گزینش اطلاعات درست مذهبی، همه برای دستیابی به آگاهی‌های درست و مطابق با حقیقت و واقعیت بود. از این پس نیز این ویژگی مثبت را باید حفظ کنید و در دستیابی به اطلاعات برون مذهبی، تنها به جنبه‌های مسلم و یقینی تکیه داشته باشید. این اطلاعات و داده‌های تکمیلی، درباره موضوعی که به آن می‌پردازید، عبارت‌اند از:

۱. اطلاعات مسلم تاریخی مربوط به دوران مربوط و سلسله‌ها، حکومت‌ها، حاکمان و سازمان اداری و نظامی و صاحبان منصب در آن دوران.

۲. اطلاعات جغرافیایی و اقلیم‌شناسی در آن دوران.

۳. اطلاعات مربوط به شرایط آب و هوا، محصولات کشاورزی و گیاهان طبیعی، به میوه‌ها و سبزیجات و فصول مختلف سال و زمان رخداد

۴. اطلاعات گاه‌شناسی با تطبیق تاریخ هجری قمری به تاریخ هجری شمسی یا میلادی، برای آگاهی از زمان دقیق رخداد و اوضاع جوی فصل و ماه مرتبط با آن و طول روز و شب در زمان رخداد.

۵. اطلاعات نژادشناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی مرتبط با نژادهای موجود در آن زمان و مکان و اندام‌شناسی و چهره‌شناسی آن‌ها؛ به ویژه برای پیامبران، امامان، قدیسان، فرزندان و مردان الهی (قهرمانان اثر).

۶. اطلاعات جانورشناسی مربوط به موجودات زنده آن سرزمین در آن دوران.

۷. اطلاعات مربوط به اشیاء، وسائط نقلیه، ابزار و آلات مورد استفاده، سکه‌ها، سلاح‌ها، ظرف‌ها، لباس‌ها، آرایش و تزئینات خوراکی‌ها و غذاهای پختنی و ساختنی، صنایع دستی و از این قبیل.

۸. اطلاعات زبان‌شناسی مربوط به زبان، گویش، لهجه، اصطلاحات و ادبیات.

۹. اطلاعات معماری و شهرسازی مربوط به ساختمان‌ها و درون و برون آن‌ها برای طبقات مختلف و کاربردهای گوناگون آن‌ها و فضاهای شهری و مکان‌های عمومی.

۱۰. اطلاعات مربوط به آداب و سنن، فرهنگ، دانش، مراسم شادی و عزا، پذیرایی، تجارت، ورزش، تفریح و سرگرمی، بازی‌ها، میراث مکتوب و میراث شفاهی، اعتقادات و مراسم آیینی، ادیان، مذاهب و فرقه‌ها در آن زمان.

ناگفته پیداست که بودن این اطلاعات، در کنار داده‌های دینی، تا چه اندازه بینش افزا و دقت‌آفرین‌اند و نبود یا کمبود آن‌ها تا چه حد می‌تواند تصاویری دور از واقعیت در اختیار مخاطب بگذارد.

بنابراین، به هیچ وجه از مطالعه یافته‌های باستان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، تاریخ تمدن و فرهنگ، دیرین‌شناسی، جانورشناسی، اقلیم‌شناسی، برخی اطلاعات درست متون ادیان و مذاهب دیگر و حتی علوم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دانش‌های دیگر بشری مرتبط با موضوع کار خود بی‌نیاز نیستید.

تا این جا مجموع اطلاعات و داده‌های درون مذهبی و برون مذهبی را می‌توانید به صورتی گاه‌شمارانه تنظیم کنید تا راه بسیاری از خطاهای تحلیلی، تفسیری و توضیحی را بر خود ببندید و برخی اشتباه‌های گذشتگان را نیز تشخیص دهید.

۲-۹. بینش مذهبی: اندام‌واره‌ای متناسب

تا به این جا زمینه‌ای فراهم خواهد شد که دانش، اندیشه، احساس و تخیل شما بتواند مذهب، حقیقت مذهب و زمان و مکان و شرایط موضوع و محتوای اثر شما را همچون پرده‌ای از سینما یا فراتر از آن، صحنه‌هایی از یک خواب، فراروی شما قرار دهد و بتوانید در درون و برون زمان، مکان، اشخاص و ماجراها گشت بزنید. در این حال، مذهب را نظام‌مند و دارای سیستمی همگون و سازوار با خود و با اطراف خودش خواهید دید که هر عنصر و بخش آن، با عناصر و بخش‌های دیگر در سازگاری و ارتباط و هماهنگی‌اند.

نخستین نتیجه نگرش و بینش تجسمی و سیستمی در مذهب، این است که عناصر زاید، جعلی و ساختگی که در پویش‌ها و پژوهش‌های قبلی از دست شما در رفته بودند و شما آن‌ها را حقیقی یا واقعی می‌پنداشتید، چهره خواهند نمود و شما آنها را کناری خواهید نهاد.

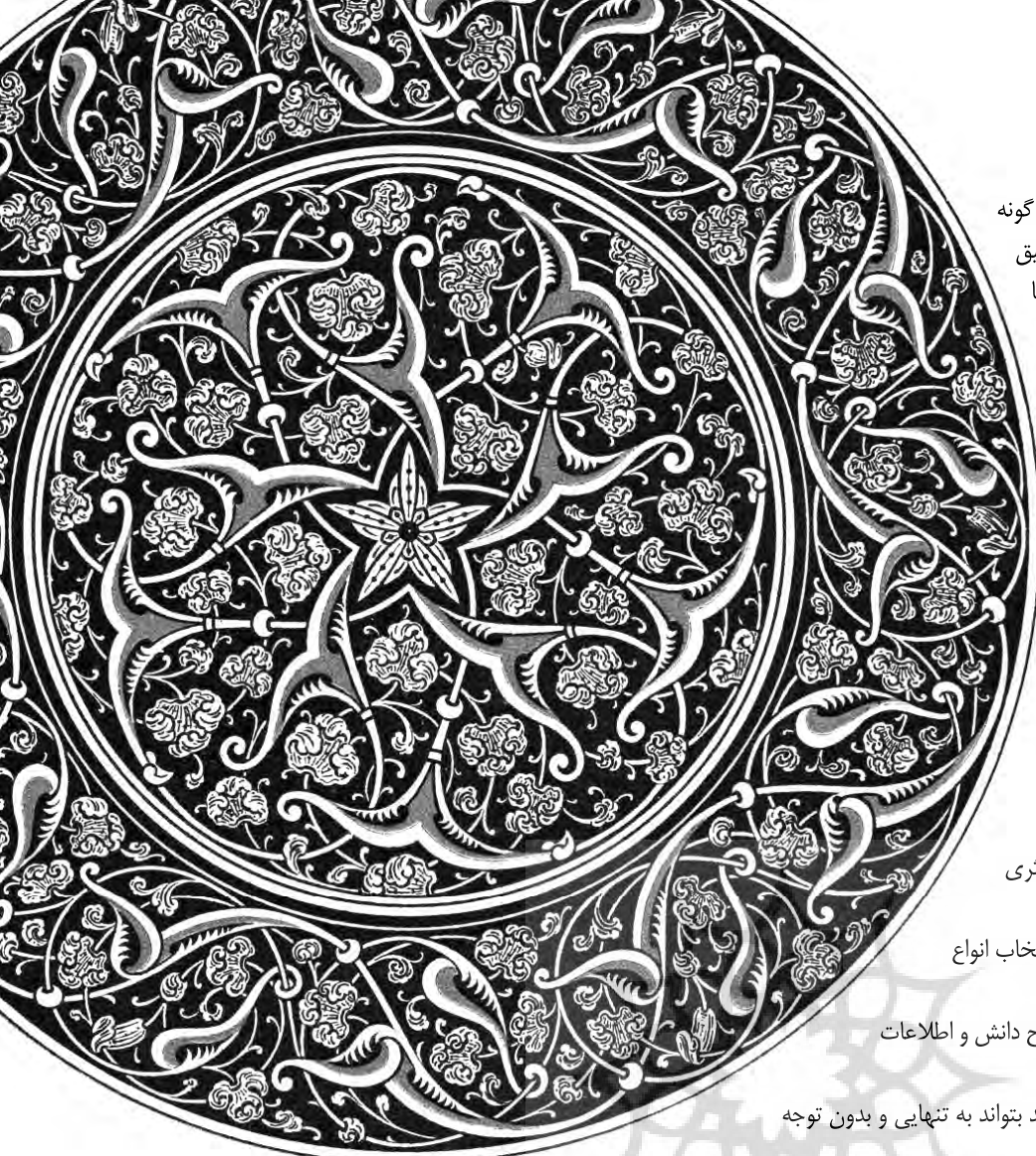
امید است که با تأسیس پژوهشکده ادبیات و هنر دینی کودک و نوجوان، اطلاعات و داده‌های دقیقی از دین، مذهب و همه آن چه برای یک اقتباس ادبی یا هنری دینی و مذهبی مورد نیاز است، در اختیار اهل ادب و هنر قرار بگیرد.

۲-۱۰. هشدار: فریب نخورید، اما بهره ببرید!

همان‌گونه که در زمان ما همه گونه مردم، از ساده‌لوح تا نیرنگ‌باز وجود دارد، در تاریخ ادیان و مذاهب نیز این افراد در لباس‌های گوناگون وجود داشته‌اند و از تحریف کتاب‌های آسمانی و اختراع عقاید و مذاهبی به نام دین تا تدوین کتاب‌های مرجع آکنده از برساخته‌ها و حتی خلق شخصیت‌های ساختگی دینی و تحمیل آن‌ها به تاریخ را در کارنامه خود دارند. بنابراین، اشکالی ندارد اگر بخواهید به متون ادیان و مذاهب دیگر مراجعه کنید، اما هیچ گاه

از ویژگی کتاب‌های ارزشمند حدیثی و روایتی، این است که برای هر نقل خود، سلسله‌سندی دارند که براساس کتاب‌هایی موسوم به «رجال»، می‌توان یکایک افراد سلسله‌سند را شناخت و به میزان اعتبار هر نقل و ناقلان آن پی برد.

مؤلفان آن‌ها نیز حدیث‌هایی را که خود قبول ندارند، ذکر نکرده‌اند



عینک تردید را از چشم خود بردارید و همان گونه که با روش‌های علمی و دقت پژوهشی، به تحقیق در کتاب‌های شیعی دست زدید، آن‌ها را هم با معیار استناد و پشتوانه تحقیق در صحت و سقم داده‌ها بسنجید. بسیاری از داده‌های تاریخی نیز شامل همین اطلاعات ساختگی تاریخ ادیان‌اند. از این‌جا می‌توانید قضاوت کنید که آثار مکتوب یا نمایشی نوشته شده براساس کتاب مقدس مسیحیان و یهودیان، تا چه حد کم اعتبارند.

البته برخی اطلاعات در این متون مقدس هست که می‌تواند شما را در نسب‌شناسی یا شناخت باورهای آن‌ها یاری دهد.

۳. قالب

در زمینه قالب اثر مذهبی، توجه به نکات زیر مفید است:

۱. هیچ محدودیتی در انتخاب قالب برای اثری با محتوای مذهبی وجود ندارد.
۲. تناسب قالب با محتوا، امری بدیهی در انتخاب انواع قالب برای محتوای خاصی است.
۳. تناسب قالب با روان‌شناسی، حوصله، سطح دانش و اطلاعات مخاطب مهم است.
۴. قالب به ویژه برای مخاطب خردسال، باید بتواند به تنهایی و بدون توجه به درونمایه و محتوا، مخاطب را جذب کند.
۵. به قالب اثر نباید تا آن اندازه بها و جایگاه داد که محتوا و پیام اثر را تحت‌الشعاع قرار دهد.
۶. در انتخاب قالب، هم باید از تجربیات و علوم دیگر بهره ببرید و هم در صورت لزوم، جسارت و خلاقیت لازم را در انتخاب قالب‌های تجربه نشده داشته باشید.
۷. توجه داشته باشید که قالبی خوب است که مخاطب را جذب کند؛ مهم نیست که منتقدان یا بزرگسالان از کار شما خوش‌شان بیایند یا نه. استقبال مخاطبان معیار است.

۴. پیام

توجه به نکات زیر، در زمینه پیام اثر مذهبی دارای اهمیت است:

۱. پیام اثر شما، بخشی یا همه همان پیام دین و مذهبی است که براساس آن دین را شناخته‌اید. میزان انتخاب پیام از سوی شما، متناسب با میزان شناخت شما از مذهب است. این نیز تأییدی دیگر است بر این که پدیدآورنده اثر مذهبی باید مذهبی باشد.
 ۲. پیام اثر می‌تواند صریح و مستقیم یا ضمنی و غیرمستقیم باشد. گرچه بر اهمیت پیام ضمنی و غیرمستقیم تأکید می‌ورزند، این از اهمیت پیام صریح نمی‌کاهد. مهم این است که پیام به گونه‌ای خوشایند در ذهن مخاطب بنشیند و مخاطب واکنشی منفی یا احساسی ناخوشایند یا بی‌تفاوتی در برابر آن نداشته باشد.
 ۳. تأثیر پیام ممکن است آنی یا در کوتاه مدت، میان مدت یا بلندمدت باشد. ممکن است پیام اثری در همان کودکی و زمان خوانش یا تماشای اثر تأثیر بگذارد و ممکن است سال‌ها بعد یا در بزرگسالی یا در زمانی نامعلوم در آینده و به مقتضای اوضاع و شرایط، تأثیر خود را نشان دهد.
- در آثار بزرگ و ماندگار، پیام دارای مفهومی چند لایه و سطوحی کوچک و بزرگ است و گاه از تأثیرهای آنی آغاز می‌شود و تا آخر عمر مخاطب، هر از گاهی مفهومی و کاربردی جدید به او می‌بخشد.

۵. مخاطب

۵ - ۱. یک خاطره: بچه‌ها را بچه فرض نکنیم

حدود سال‌های ۶۰ - ۱۳۵۹ که حدود ۳ - ۲۲ سال سن داشتم، روزی از روزها، برای پسرخاله‌ام که حدود ۴/۵ ساله بود، داستان کودکانه‌ای از زندگی امام رضا(ع) می‌خواندم. او وقتی متوجه شد که امام رضا(ع) انگور زهرآلودی از مأمون گرفته و خورده و شهید شده است، پرسید: «مأمون آدم خوبی بود یا آدم بدی؟» گفتم: «آدم بدی بود» سؤال کرد: «امام رضا(ع) نمی‌دانست که نباید از آدم‌های بد چیزی بگیرد و بخورد؟»

یادم نیست که چه جوابی به او دادم یا چگونه از پاسخ دادن به او گریختم یا حواسش را چگونه پرت کردم که به دنبال جواب نباشد، اما این ماجرا و تجربیاتی دیگر و مشاهداتی مکرر از میزان استقبال یا عدم استقبال کودکان و نوجوانان از یک اثر یا یک اسباب‌بازی، ذهنیاتی انتقادآمیز، نسبت به وضعیت آثار ادبی هنری برای مخاطبان غیربزرگسال، در من پدید آورده است.

موضوع اصلی این است که بچه‌ها دارند بزرگ می‌شوند و خودشان هم نه می‌خواهند بچه بمانند و نه خوش دارند که کسی آن‌ها را بچه فرض کند. اما بسیاری از کسانی که متولی ادبیات و هنر کودک و نوجوان‌اند، دست کم خود را فراموش می‌کنند، موجودی تخیلی به نام خردسال یا کودک یا نوجوان در ذهن خود می‌سازند، برای او اثری می‌آفرینند و آن‌گاه گلایه‌مندند که چرا مخاطبان از اثر آن‌ها استقبال نمی‌کنند.

دیدگاه گذشتگان نسبت به کودک، چنین بود که کودک بزرگسالی بی‌دانش و تجربه است که باید با تعلیم و تربیت، به شایستگی لازم برسد. نظر کارشناسان قرن بر این قرار گرفت که کودک، موجودی غیر بزرگسال است که در هر دوره زندگی ظرفیت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌هایی دارد. شاید این دو نظریه، از جهتی نه تنها در تضاد با یکدیگر نباشند، بلکه در کنار یکدیگر و به صورت مکمل یکدیگر بتوانند عمل کنند. در این میان، معاصرانی هستند که نه با توجه به نظر قدما و نه با بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناسی کودک، آثاری می‌آفرینند که یا حاوی مفاهیمی فراتر از درک مخاطب است، بدون این که به نحوی ساده‌سازی شده یا توضیح و توجیه لازم را یافته باشند، یا به گونه‌ای مخاطب خود را دست کم می‌گیرند که مخاطب با خواندن یا دیدن آثار آن‌ها می‌پندارد که پدیدآورنده، به ایشان توهین کرده و اثری بچه‌گانه به آن‌ها تحویل داده است که به درد «نی‌نی کوچولوها» می‌خورد. گاه نیز برای خوشآمد منتقدان آثاری می‌آفرینند یا توقع دارند آثاری براساس برخی واقعیت‌های مذهبی، یا مضامین تخیلی یا نیمه تخیلی به مخاطبی تحویل دهند که اصل آن واقعیت را هنوز دریافته و زمان مرزگذاری او میان واقعیت و تفنن‌های ذهنی نویسندگان پدید نیامده است.

۵ - ۲. مخاطب‌شناسی: حق با مشتری است

اگر اثری را برای دل خودتان تولید می‌کنید، بگذارید برای خودتان بماند، اما اگر می‌خواهید کسی آن را بخواند یا ببیند، باید او را جذب کنید. ضرورت مخاطب‌شناسی، در همین یک نکته است. شما باید نیاز، موقعیت ذهنی و فکری، سلیقه، دانش، تجربه و گنجینه لغات مخاطب را بدانید تا بتوانید اعتماد او را جلب کنید، او را به وسیله اثر خود با خود همراه سازید و به آن‌جا ببرید که هدف شماست.

مخاطب‌گرایی براساس مخاطب‌شناسی دانش، فن و هنری است که نبود آن در کنار دانش، فن و هنر خلق اثری برای کودک و نوجوان، می‌تواند به شکست اثری با بهترین محتوا و قالب بینجامد.

۵ - ۳. چند نکته در مخاطب‌گرایی: من از تو زرنگ‌ترم

۱. سعی کنید براساس تجربه‌های مستقیم خودتان و دیگران با کودکان و نوجوانان، مطالعه کتاب‌های روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی نوجوانی و بلوغ و گشت و گذار و گفت‌وگو‌هایی که با کودکان و نوجوانان دارید، روحیه آن‌ها را درک کنید؛ طوری که بتوانید از آن‌ها شیطان‌تر، زرنگ‌تر و زیرک‌تر باشید. با این کار، روحیه و نیاز آن‌ها را خواهید شناخت و قالب و محتوای اثر خود را متناسب با روحیه و نیازشان سامان خواهید داد.

اما این، آغاز ارتباط است. اثر شما باید نیاز مستمر ایجاد کند و پیوسته به نیازشان پاسخ دهد. مطمئن باشید اثر شما تا هر جا چنین باشد، مخاطب به دنبال آن خواهد دوید.

۲. مواظب باشید سؤال‌های زیرکانه مخاطبان را حدس بزیند و در اثر خود به آن‌ها پاسخ دهید.

۳. مفاهیم و واژه‌های غیرقابل فهم مخاطب خود را ساده‌سازی کنید.

۴. پیچیدگی متناسب با روحیه مخاطب، تعلیق و کشش، از ویژگی‌های اثر خوب است.

۵. حوصله مخاطب و آستانه خستگی او را بشناسید و اثر خود را متناسب با آن سامان دهید.

۶. بچه‌ها از مدت کوتاهی پس از تولد، طنز را درک می‌کنند. به همین نسبت از سنینی به بعد، ماجراجویی، همدات‌پنداری، احساس قوت و شجاعت، قهرمان‌گرایی و مسخره‌بازی را دوست دارند و حتی از سنین پایین، به دست

پیام اثر می‌تواند صریح و مستقیم یا ضمنی و غیرمستقیم باشد. گرچه بر اهمیت پیام ضمنی و غیرمستقیم تأکید می‌ورزند، این از اهمیت پیام صریح نمی‌کاهد. مهم این است که پیام به گونه‌ای خوشایند در ذهن مخاطب بنشیند و واکنشی منفی یا احساسی ناخوشایند یا بی‌تفاوتی در برابر آن نداشته باشد.



انداختن و به شوخی گرفتن همه چیز می‌پردازند. درک این واقعیت‌ها، می‌تواند شما را در انتخاب موفق قالب، پرداخت اثر، پردازش شخصیت‌ها و نحوه پیشبرد ماجراها کمک کند. اگر درک درستی از مذهب، ایمان، مؤمن و شخصیت‌های مذهبی داشته باشید، درخواهید یافت که حتی مقدس‌ترین شخصیت‌های مذهبی، انسان‌هایی خوش‌برخورد، دوست‌داشتنی و به موقع خود اهل طنز و تحرک و رفتارهای منتقدانه نسبت به امور گوناگون بوده‌اند؛ چیزی که کودکان، نوجوانان، جوانان و روشنفکران را جذب می‌کرده است. آن‌ها در واقع از شادی و پاکی روحی کودکانه، در کنار دانشی عالمانه و حکیمانه بهره می‌برده‌اند.

مانند برخی پدیدآورندگان (نویسندگان، شاعران، تصویرگران، کارگردانان، بازیگران و...) غیرمذهبی نباشید که مؤمنان و قدیسان را موجوداتی خشک، بی‌روح، یخی، بی‌کفایت و بی‌منطق و پاسخ، و کافران و دشمنان حق را انسان‌هایی شاد، دوست‌داشتنی، تیزهوش و نکته‌سنج، منتقد، زرنگ و زیرک و بدون پاسخی از سوی حق‌جویان به انتقادهای آن‌ها، به تصویر می‌کشند.

۶. روند خلاقیت

اگر مذهبی باشید، به این معنی که با نگرشی عمیق، دقیق، پرسشگر و حقیقت‌جو - که روند آن را دیدید - مذهب را برگزیده و در اندیشه و عمل به آن پایبند باشید، دانه خلاقیت مذهبی در درون شما جوانه می‌زند و اطلاعات مذهبی شما، با اندیشه و احساس مذهبی شما درمی‌آمیزد؛ دانش، فن و هنر شما را به خدمت می‌گیرد و با توجه به آگاهی‌ها و احساس‌های مخاطب‌شناسانه شما، در زمان و مکانی خاص جرقه‌ای در ذهن شما می‌زند که همانند یک کشف، یک مکاشفه، یک اختراع، یک ابتکار و یک بینش و آفرینش جدید ارزشمند است. این طرح اولیه که خاص شما و دستاورد وجود شماست، به همان صورت یا با پردازش و کار فکری و عملی کم یا بسیار، تبدیل به اثری می‌شود که در اختیار مخاطب می‌گذارد.

این دستاورد خلاقانه، بی‌اختیار شما پدید می‌آید گرچه زمینه‌ها و دستمایه‌های اولیه را شما در اختیار آن قرار داده بودید و گرچه با پردازش و کار فکری و عملی شما، بارور و متناسب‌سازی می‌شود. بنابراین، هر گونه روندی که جز بدین‌سان در آفرینش یک اثر نقش ایفا کرده باشد، تصنعی و غیرصادقانه است. در هر زمینه غیرمذهبی نیز روند خلاقیت چنین است. احساس عمیق شما نسبت به هر چیز و پایبندی بی‌تصنع و تکلف شما نسبت به آن، شما را تبدیل به مجرایی برای ظهور و بروز آن چیز در عالم دانش، هنر و تخصص شما می‌کند. برای خلق اثر مذهبی - از نوشته گرفته تا پرده سینما - هر چه عوامل دست‌اندرکار، دارای ویژگی مذهبی بودن باشند، بهره‌های خلاقانه‌تری به تولید خواهند بخشید.

تجربه نشان داده است که براساس آموزه‌های مذهب، اعتقاد عمیق و مستدل، طهارت، همواره با وضو بودن، پژوهش و مطالعه عمیق درباره موضوع، تأثیر بسیاری در دستیابی به واقعیت و حقیقت موضوع اثر و روشن شدن جنبه‌های تاریک آن خواهد داشت.

مؤخره: تو خود حدیث مفصل بخوان

می‌خواستیم این متن را با نکته‌هایی آسیب‌شناسانه پایان دهیم که به نام مذهب بر متن‌ها، تصویرگری‌ها و فیلم‌سازی‌ها تأثیر نهاده و از میزان واقع‌نمایی آن‌ها کاسته‌اند، اما یا ریشه‌ای در مذهب ندارند یا راه‌حلی در مذهب برای آن‌ها می‌توان یافت. با این حال و با توجه به ویژگی و شرایط «مذهبی بودن» که در آغاز برای پدیدآورنده اثر مذهبی برشمردیم، این اطمینان را می‌توان داشت که پدیدآورنده اثر اگر مذهبی باشد، تن به هر تحمیل غیرمذهبی به نام مذهب نخواهد داد و پاسخی مذهبی یا راه‌حلی مذهبی، به مسئولان خواهد داد.

اگر مجالی باشد، در مقاله‌ای مستقل به این موارد و حکم و راه‌حل آن‌ها، براساس آموزه‌های خالص دینی، خواهیم پرداخت.